



راهنمای آموزش زبان دوم

نُه مقاله کاربردی درباره آموزش زبان دوم
دستینه مدرسان آموزش زبان فارسی به غیرفارسی زبانان

مترجم: حسن دُرُجَم
مدرس: سید علی ناجی
با تقدیم دکتر مهد غفاری



Paper from well managed forests
and controlled sources

کاغذ این کتاب از جنگل‌ها و منابع
کاملاً مدیریت شده تهیه شده است.



سازمان اسناد و کتابخانه ملی
جمهوری اسلامی ایران

- سرشناسه: ناجی، سیدعباس، ۱۳۶۱ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور: راهبردهای آموزش زبان دوم نه مقاله کاربردی درباره آموزش زبان دوم /...
..... [گردآورنده] و مترجم سیدعباس ناجی؛ ویراستار مجیدشمس‌الدین.
مشخصات نشر: تهران: نشر خاموش، ۱۳۹۶.
مشخصات ظاهری: ۲۵۴ ص:، منقور، جدول، نمودار.
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۳۳۰-۲۶-۶
وضعیت فهرست نویسی: فیبا
یادداشت: نمایه
موضوع: زبان دوم -- فراگیری
موضوع: Second language acquisition
موضوع: تدریس -- روش‌شناسی
موضوع: Teaching -- Methodology
موضوع: زبان‌آموزی
موضوع: Language acquisition
موضوع: فارسی -- فراگیری
موضوع: Persian language -- Acquisition
موضوع: فارسی -- راهنمای آموزشی -- خارجی‌ان
موضوع: Persian language -- Study and teaching -- Foreign speakers
رده‌بندی کنگره: P1۱۸/۲/۵۲.۲ ۱۳۹۶
رده‌بندی دیویی: ۴۱۸/.۰۰۷۱
شماره کتابشناسی ملی: ۴۶۰۰۰۵۹۲

راهبردهای آموزش زبان دوم

نه مقاله کاربردی درباره آموزش زبان دوم

[گردآورنده] و مترجم: سیدعباس ناجی



نام کتاب:	راهنماهای آموزش زبان دوم
گزینش و ترجمه:	نه مقاله کاربردی درباره آموزش زبان دوم
طرح جلد:	سیدعباس ناجی
صفحه آرای:	محمدعلی خفاجی
ویراستار:	مجید شمس الدین
چاپ و صحافی:	سهیلا ایزدی، امیرحسین مجیری
نوبت چاپ:	مجمع چاپ رضوی
شمارگان:	اول ۱۳۹۶
قیمت:	۳۰۰ نسخه
شابک:	۲۵۰۰۰ تومان
	۹۷۸-۶۰۰-۸۳۳۰-۲۶-۴

کلیه حقوق این اثر برای نشر خاموش محفوظ است.

ارتباط با نشر خاموش: ۰۹۱۲۰۱۷۸۱۹۴ | ۰۹۱۳۱۷۸۱۹۲۰

www.khamooshpub.ir | www.khamooshpub.com | @khamooshpubch

تهران، ونجک، خیابان گلستان سوم، پلاک ۳۰، همکف

تقدیم به همکارانم در مرکز آموزش
زبان فارسی دانشگاه فردوسی و استاد
عزیزم جناب آقای دکتر احسان قبول

فهرست

پیش‌گفتار مترجم

۹.....

مقدمه

۱۳.....

فرهنگ در آموزش زبان دوم

۳۱.....

ایجاد آگاهی فرهنگی در آموزش زبان خارجی

۴۳.....

نقش انگیزه در یادگیری زبان خارجی و زبان دوم

۶۱.....

سبک‌های یادگیری و تدریس در آموزش زبان خارجی و زبان دوم

۱۳۵.....

نقش زبان اول در یادگیری زبان خارجی

۱۶۹.....

مدیریت کلاس: نکته کلیدی در رویکرد راهبردی آموزش زبان دوم

۱۸۳.....

تخصصی شدن محیط کلاس تا چه اندازه در یادگیری زبان مهم است؟

۱۹۷.....

بررسی نگرش معلمان و فراگیران انگلیسی‌فارسی زبان نسبت به استفاده از

طنز و شوخی در کلاس

۲۱۵.....

استفاده از فیلم‌های ویدئویی به عنوان یک وسیله شنیداری-دیداری در

کلاس‌های تدریس زبان خارجی

۲۳۷.....

پیش‌گفتار مترجم

فکر ترجمه این مقالات در کلاس درس «اصول و نظریه‌های روش تدریس زبان دوم» در محضر استاد عزیزم خانم دکتر عطیه کامیابی‌گل در دوره کارشناسی ارشد زبان‌شناسی گرایش آزفا به ذهنم رسید. استاد هر جلسه مقاله‌ای بسیار مفید و کاربردی در کلاس معرفی می‌کردند، که مجبور بودیم برای درک مفهومی آن، ترجمه کاملی از مقاله مورد نظر را تهیه کنیم. البته این کار برای دوستانی که در رشته‌های مرتبط با زبان انگلیسی تحصیل کرده بودند زیاد سخت نبود ولی برای آن‌ها که از رشته‌های غیرمرتبط آمده بودند؛ کابوس دهشتناکی بود. با خود اندیشیدم حال که این پژوهش‌های خوب در دسترس است، چرا یکجا و به صورت یک کتاب در دسترس علاقه‌مندان و دانشجویان و خصوصاً مدرسان زبان دوم قرار نگیرد؟ زیرا بیشتر مقالاتی که ترجمه آن‌ها از نظر خوانندگان محترم کتاب خواهد گذشت، جزء تحقیقات مهم در زمینه

آموزش زبان دوم و خارجی هستند و نویسندگان این پژوهش‌ها نیز، خود به‌عنوان چهره‌هایی شناخته‌شده در دنیای آموزش زبان خارجی و دوم، نزد اهل فن دارای صحت و اعتبار علمی هستند. دلیل دیگر گزینش این آثار برای ترجمه، این بود تا دستینه‌ای برای مدرسان زبان فارسی به غیر فارسی‌زبانان باشند؛ زیرا ایشان گاه از رشته‌های غیرمرتبط وارد این حیطه می‌شوند و بعضاً با اصول اولیه تدریس زبان خارجی و دوم و مسائل مربوط به آن غریبه هستند. همچنین مدرسان محترم زبان خارجی و آنانی که فارغ‌التحصیل رشته‌های آموزش زبان می‌باشند، نیز مطالب بسیار مفیدی از قِبل مطالعه این کتاب به دست خواهند آورد. در امر ترجمه کتاب سعی کردم تا آنجا که ممکن است اصل وفاداری را رعایت نمایم. البته در بعضی موارد، مجبور به تغییر ساختار برای انتقال کامل و شایسته مفهوم و روح متن بودم که چاره‌ای جز آن نبود. امید که این قدم کوچک در راه بسط و نشر علم آموزش زبان، همگان را مفید باشد.

تشکر و قدردانی

از استاد عزیزم سرکار خانم دکتر عطیه کامیابی گل که زمینه آشنایی هرچه بیشتر با مقالات به‌روز و کارآمد علم آموزش زبان دوم را برایم فراهم نمودند کمال تشکر را دارم. از دوست و همکار فرهیخته‌ام سرکار خانم دکتر ندا برزو که مرا در به دست آوردن بعضی مطالب کلیدی این کتاب، یاری دارند، بسیار سپاس‌داری می‌کنم. از همکار ارجمندم سرکار خانم سمیرا میزانی که مرا در ترجمه کتاب بسیار یاری دادند بی‌نهایت قدردانم. از استاد محترم جناب آقای دکتر سعید کتابی مدیر محترم گروه آموزش زبان انگلیسی دانشگاه اصفهان که اجازه ترجمه اثرشان در این کتاب را به من دادند، متشکرم. از دوست بسیار عزیزم جناب آقای

دکتر امیر احمدی که در زمینه چاپ کتاب، اطلاعات بسیار ارزشمندی را در اختیارم قرار دادند، تشکر می‌کنم. از دوست خوبم جناب آقای مجید شمس‌الدین مدیر نشر خاموش برای چاپ این اثر بسیار ممنونم و در نهایت مایلم مراتب سپاس و قدردانی ویژه خود را خدمت استاد محترم جناب آقای دکتر مهید غفاری که با وجود مشغله فراوان در جایگاه استادی دانشگاه کمبریج، زحمت نگارش مقدمه مفصل این اثر را بر خود هموار کردند، ابراز نمایم.

سید عباس ناجی حسین دوست

Abbas.naji61@yahoo.com

مشهد آبان ماه ۹۶

مقدمه

دکتر مهید غفاری

عضو هیئت علمی دانشگاه کمبریج انگلستان

آموزش زبان دوم از دیرباز وجود داشته است و این امر با توجه به شرایط زمانی و مکانی و تاریخی و سیاسی و جز آن برای زبان‌های مختلف، متفاوت بوده است. برای مثال زمانی یادگیری زبان لاتین یا یونانی بیشتر از هر زبان دیگر مورد توجه بود و در برهه‌ای دانستن زبان‌های فارسی، عربی، فرانسه و غیره اهمیت پیدا کرد و امروزه آموزش و یادگیری زبان انگلیسی به مراتب مهم‌تر از هر زبان دیگری به نظر می‌رسد. البته باید خاطرنشان کرد آموزش زبان دوم به عنوان یک علم قدمت چندانی ندارد و پژوهش‌های علمی و دانشگاهی مرتبط با آن شاید عمری بیش از دو قرن نداشته باشند اما این علم به سرعت در حال پیشرفت است و یافته‌های به دست آمده از پژوهش‌های مرتبط به طور مداوم باعث تغییراتی در آن شده است.

از آنجایی که زبان و استفاده از آن با علوم دیگر در ارتباط است، یافته‌های تحقیقات علوم دیگر مانند روان‌شناسی، جامعه‌شناسی،

فلسفه، ژنتیک و جز آن همگی در پیشرفت این علم و به‌روزشدن آن نقش داشته‌اند.

به‌طور تخصصی‌تر، بیشتر توجه متخصصان آموزش زبان به آموزش زبان انگلیسی بوده است و هر ساله هزاران مقاله و پژوهش مرتبط با آموزش زبان انگلیسی در سراسر دنیا به انجام می‌رسد و یافته‌های آن‌ها در کتاب‌های آموزش زبان انگلیسی و در کلاس‌های درسی بازتاب می‌یابند.

اگرچه یادگیری و استفاده از زبان فارسی به‌عنوان زبان دوم یا زبان خارجی از زمان‌های بسیار دور رواج داشته است، اما رویکرد علمی به آموزش زبان فارسی و توجه آن به‌عنوان یک علم و یا در محیط‌های دانشگاهی به کمتر از بیست سال می‌رسد و در مقایسه با زبان انگلیسی رشته‌ای نوپا به حساب می‌آید. با این وجود، در همین زمان کوتاه پژوهش‌های متعددی در مورد زبان فارسی و آموزش آن صورت پذیرفته است و صدها پایان‌نامه در دانشگاه‌های کشور در این مورد نوشته شده‌اند و همایش‌های متعددی برگزار شده است و کتاب‌های آموزشی چندی نیز به رشته تحریر درآمده‌اند. با این حال از آنجایی که اشتراکات بسیاری در مورد آموزش هر زبانی وجود دارد و خوشبختانه پژوهشگران آموزش زبان‌های دیگر راه بسیار طولانی‌ای را پیموده‌اند، بسیاری از دستاوردهای حاصل از پژوهش‌های انجام‌شده در آن زبان‌ها به‌ویژه زبان انگلیسی، قابل استفاده در آموزش زبان فارسی هستند و نیازی به دوباره‌کاری و پژوهش مجدد وجود ندارد، بلکه با بومی‌سازی یا فارسی‌سازی آن‌ها می‌توان به توسعه و بهبود این علم کمک کرد.

در همین راستا، شاید ترجمه مقالات مرتبط با آموزش زبان‌های دیگر از ابزارهایی باشد که بتواند در کوتاه‌مدت به مدرسان زبان فارسی،

علاقه‌مندان و دانشجویان رشته آموزش زبان فارسی به غیرفارسی‌زبانان کمک نماید.

به همین منظور کتاب حاضر اولین گام در این راستا است که شامل ۹ مقاله می‌شود که از مجموعه بی‌شماری از مقالات انتخاب شده‌اند تا نگاهی به موضوعات مرتبط با آموزش زبان فارسی بیندازد و تاحدی خوانندگان علاقه‌مند را با برخی از یافته‌های نوین در آموزش زبان و مهارت‌های عملی آشنا کند. از آنجایی که این کتاب موضوعات مختلفی را دربر می‌گیرد باعث شده است که یکپارچگی مرسوم در کتاب‌ها را نداشته باشد و به شکل مجموعه مقالات باشد. از امتیازات این‌گونه کتاب‌ها این است که اولاً موضوعات گوناگونی را مورد توجه قرار می‌دهند و دوم این که چشم‌اندازی را برای انجام پژوهش‌های مشابه بعدی ترسیم می‌کند و ایده‌های نوینی را در ذهن پژوهشگران خلاق ایجاد می‌کند.

همان‌طور که اشاره شد از آنجایی که رشته آموزش زبان فارسی در ایران بسیار نوپا است و سطح علمی آن به مراتب پایین‌تر از سطح آموزش زبان انگلیسی و آموزش زبان در سطح جهان است، آشنایی با اصول و مبانی، نظریه‌ها، روش‌ها، رویکردها، یافته‌ها، مهارت‌ها و دشواری‌های آموزش زبان از ضروریات است. امید است که این کتاب، زمینه فعالیت نویسندگان و محققان را فراهم سازد تا مجموعه‌های کامل‌تری از موضوعات مربوط به آموزش زبان فارسی را ترجمه و یا تألیف کنند.

در ادامه این مقدمه شرح کوتاهی از آنچه خوانندگان گرامی در هریک از مقاله‌ها با آن مواجه خواهند شد خواهد آمد تا معرفی اجمالی از این مجموعه باشد و به خواننده این فرصت را بدهد که به مقاله‌ای رجوع کند که نیاز فوری او را پاسخ می‌گوید.

مقاله اول و دوم مجموعه حاضر به موضوع فرهنگ در آموزش زبان

دوم می‌پردازند. اغراق نیست اگر بگوییم دانستن یک زبان بدون آشنایی با فرهنگ آن زبان غیرقابل تصور و یا مصنوعی به نظر می‌آید به همین دلیل توجه به فرهنگ به هنگام آموزش زبان دوم در کتاب‌های آموزشی و کلاس‌های درس معمولاً به چشم می‌خورد، چه بسا ممکن است در برنامه‌ریزی کلان بسیاری از دولت‌ها هدف اصلی از آموزش زبان رسمی آن کشور به گویشوران زبان دیگر گسترش فرهنگ و آشنایی فراگیران با فرهنگ آن کشور باشد. به هر حال، برخی از صاحب‌نظران آموزش زبان، فرهنگ را اصل پنجم در آموزش زبان در کنار چهار مهارت شنیدن، خواندن، گفتن و نوشتن می‌دانند یا برخی از جامعه‌شناسان زبان فرد دو زبانه را به کسی اطلاق می‌کنند که علاوه بر مهارت کامل به هر دو زبان، فرهنگ زبان دوم را نیز به همان خوبی فرهنگ زبان مادری بداند. این دو نگرش علمی به زبان هرچند افراطی اما اهمیت فرهنگ را در آموزش زبان دوم به تصویر می‌کشند.

مقاله اول پس از معرفی اجمالی فرهنگ و اولویت آن در برنامه کلاسی و قرارداد داشتن در استاندارد ملی ایالات متحده آمریکا به اهمیت آن از نظر زبان‌شناسان و مردم‌شناسان می‌پردازد. در این مقاله می‌خوانیم که اطلاعات فرهنگی باید بدون پیش‌داوری و جهت‌گیری و بدون پیش‌فرض در خلال آموزش زبان مطرح شوند. سپس نویسنده نمونه‌هایی را برای چگونگی ارائه نکات فرهنگی پیشنهاد می‌کند و اینکه چگونه زبان‌آموزان را ترغیب نماییم تا خودشان به دنبال دانستن بیشتر در مورد نکته فرهنگی بروند. همچنین در ادامه به استفاده از منابع واقعی از فیلم و عکس گرفته تا بروشورهای مسافرتی و منوی رستوران برای آشنایی زبان‌آموزان با تجربیات فرهنگی اشاره می‌کند و نمونه‌هایی از چگونگی استفاده آموزشی از آنها را بر می‌شمارد. در پایان مقاله اول در

مورد فرهنگ و نیز به کارگیری ضرب المثل ها و مقایسه آنها در دو زبان، ایفای نقش برای تشخیص دلایل سوء تفاهم های احتمالی در امر ارتباط کلامی و استفاده از نمونه های فرهنگی در تمرین های کپسول فرهنگی، امکان دعوت از بومی زبانان زبان مقصد در کلاس و استفاده از متون ادبی و فیلم آمده است.

مقاله دوم با عنوان ایجاد آگاهی فرهنگی در آموزش زبان خارجی است و در ابتدا اهمیت فرهنگ را در کنار دستور زبان، واژگان و آواشناسی برای درک بهتر آن زبان ذکر می کند و آن را برای برقراری ارتباط که به نوعی ارتباط بین فرهنگ هاست ضروری می داند. در این مقاله در تعریف فرهنگ و ارتباط آن با زبان چنین گفته می شود که آن ها به شدت درهم تنیده و جداناپذیر هستند و از زبان به عنوان یکی از ابزارهای بیان فرهنگ نام برده می شود. پس از ارائه تعریف های مختلف از فرهنگ از دیدگاه های مختلف، نویسنده به دلایل وجود فرهنگ می پردازد. به اعتقاد نویسنده، گاهی زبان آموزان و مدرسان به اهمیت فرهنگ در کنار ارتباط زبانی و قواعد دستوری و کلمه ها توجه نمی کنند و ادامه می دهد که نگاه تحلیلی به فرهنگ بومی و مادری به همان اندازه یادگیری فرهنگ مقصد ضرورت دارد؛ زیرا تفاوت های بین فرهنگی می توانند باعث بروز سوء تفاهم ها شود. نویسنده به آموزش فرهنگ از طریق زبان اشاره می کند که باعث به وجود آمدن بینش فرهنگی می شود و زبان آموز می تواند تأثیر الگوهای فرهنگی در رفتار دیگران و تأثیر آنها را در افکار و فعالیت های خود تشخیص دهد. به این ترتیب زبان به عنوان پلی بین دو سیستم شناختی عمل می کند به طوری که زبان آموز تغییر رفتار می دهد و شیوه های جدید و ارزش های جدیدی از زندگی را به رفتار قبلی خود اضافه می نماید. معلم نیز باید بدون پیش داوری در مورد ارزش های

فرهنگی، آنها را به زبان آموز انتقال دهد. همچنین نویسنده دلایل آشنایی زبان آموزان را با بخش های فرهنگی ذکر می نماید. یادگیری فرهنگ در کنار زبان به زبان آموز اجازه می دهد ماهرانه تر و واقعی تر از زبان استفاده کند، آن را بفهمد و ارتباط برقرار نماید. یکی از اهداف معلم باید این باشد که تفاوت های فرهنگی مانعی برای زبان آموزان در تجربه کردن فرهنگ دوم و برقراری ارتباط نشود بلکه از آن برای خود آگاهی و درک فرهنگی استفاده نمایند. یکی از راهکارهای قابل استفاده در کلاس های زبان فعالیت نقش بازی کردن است تا گفتگوی بین فرهنگی را ترویج نماید. معلم زبان می تواند در این راستا از تکنیک های دیگری همچون خواندن متن، فیلم، تقلید و شبیه سازی، بازی ها و غیره نیز در کلاس درس استفاده کند. موضوع قابل توجه دیگر این است که معلم با روش هایی مانند این نکته که همه افراد شباهت هایی با یکدیگر دارند، دانش آموزان را پذیرای مفهوم یادگیری فرهنگ های دیگری غیر از خودشان بنماید. در سطوح مختلف می توان فعالیت هایی را مورد استفاده قرار داد تا آگاهی زبان آموزان را نسبت به فرهنگ مقصد افزایش دهد و باعث حس کنجکاوی شوند تا آنها بخواهند دو فرهنگ را مقایسه نمایند. از این رو، برای مثال در سطح ابتدایی می توان در مورد زندگی روزانه در جامعه زبانی دیگر یا موضوعات مشترک که معادلی در فرهنگ بومی دارند مثل خانواده و مدرسه و اوقات فراغت استفاده کرد و در سطح های متوسط و پیشرفته می توان از عوامل جغرافیایی و تأثیر آن ها در زندگی روزمره، دوره های مهم تاریخی، حمل و نقل و خرید و فروش در آموزش زبان بهره جست.

مقاله سوم به نقش انگیزه در یادگیری زبان خارجی می پردازد. همان طور که می دانیم یادگیری زبان امری زمان بر، طولانی و

خسته‌کننده است و بدون انگیزه اولیه برای شروع و انگیزه‌ای قوی برای ادامه نمی‌توان به اهداف واقعی آن دست پیدا کرد. شاید انگیزه را بتوان مهم‌ترین عامل در میزان موفقیت در زبان‌آموزی دانست. نویسنده در این مقاله ابتدا به تحقیقات صورت گرفته در مورد انگیزه اشاره می‌کند. در بخشی از این مقاله تعریفی از انگیزه داده می‌شود و سپس انگیزه را ساختاری چندوجهی می‌داند و آن را به عنوان یک روند مطرح می‌کند. پس از آن مفهوم انگیزه در تحقیقات روان‌شناسی و نظریه‌های مربوط به تأثیر نگرش‌ها بر رفتار ارائه می‌شود و در ادامه نظریه ارزش توقع می‌آید که دو عامل در آن دخیل هستند یک توقع موفقیت است که فرد از انجام کار دارد و دوم ارزشی که او برای آن موفقیت قائل است. سپس نظریه‌های هدف مطرح می‌شوند که در برخی از آنها در اصل هدف جای نیاز را گرفته است. در آخر نیز نظریه خودمختاری است و در آن در خصوص انگیزه‌های داخلی و انگیزه‌های خارجی و ارتباط آنها با یکدیگر صحبت می‌شود. در نظریه خودمختاری انگیزه داخلی بیش از انگیزه خارجی باعث افزایش خلاقیت می‌شود و همچنین استقلال زبان‌آموز را در کلاس درس تقویت می‌کند. نویسنده در قسمت دوم مقاله به بررسی این نظریه‌ها و کاربرد و تحقیقات صورت پذیرفته بر اساس آنها در مورد نقش انگیزه برای یادگیری زبان دوم یا زبان خارجی می‌پردازد. در این خصوص روان‌شناسی اجتماعی سهم بسزایی در تحقیقات مربوط به یادگیری زبان دوم داشته‌اند زیرا زبان برخلاف موضوعات درسی دیگر یک موضوع مستقل از جامعه نیست. روش اجتماعی روان‌شناختی روبرت گاردنر به خوبی این مسئله را توضیح می‌دهد. موضوع دیگر در این مقاله تأثیر اعتماد به نفس زبانی است که به زبان‌آموز توانایی رسیدن به هدف را می‌دهد. بخش دیگری از این مقاله به تغییر آموزش در دهه

نود میلادی می‌پردازد که موج جدیدی از توجه به آموزش را در پی دارد. در یک چارچوب، اجزای انگیزه‌ی یادگیری زبان برشمرده می‌شوند که عبارت‌اند از: سطح زبان، سطح زبان‌آموز، سطح موقعیت زبانی، اجزای انگیزشی خاص درس، اجزای انگیزشی خاص مدرس و اجزای انگیزشی خاص گروه زبان‌آموزان. اهمیت چنین چارچوبی تأکید آن بر طبیعت چندبعدی انگیزه‌ی یادگیری زبان دوم و جذب چندین خط تحقیقاتی به سمت یکدیگر است. در چارچوبی دیگر عوامل داخلی (مانند محرک کنجکاوی، توانایی تعیین اهداف، احساس رقابت، اعتماد به نفس و جز آن) و عوامل خارجی (مانند والدین، مدرس، جایزه، منبع، زمان و جز آن) ذکر می‌شود. به همین ترتیب مدل‌های دیگری از انگیزه در یادگیری زبان به تفصیل ارائه شده‌اند. جالب است که با توجه به تمام این نظریه‌ها و مدل‌ها و تحقیق‌های انجام‌شده تا اواسط دهه‌ی نود میلادی تلاش خاصی در تحقیقات زبان دوم برای طراحی راهبردهای انگیزشی کاربردی در کلاس وجود نداشته است. در پایان این مقاله ده دستور داده شده است. این دستورها بر اساس تحقیقی است که با استفاده از ۲۰ مدرس در مؤسسات مختلف، مورد ارزیابی قرار گرفت. برخی از این دستورات عبارت‌اند از:

- ۱- فضایی شاد و راحت در کلاس ایجاد کنید.
- ۲- تکالیف را به صورت مناسب ارائه دهید.
- ۳- رابطه‌ی خوبی با دانش‌آموزان ایجاد کنید.
- ۴- اعتماد به نفس زبانی افراد را افزایش دهید.
- ۵- روند یادگیری را شخصی‌سازی کنید.
- ۶- گرایش به هدف را در افراد افزایش دهید.
- ۷- افراد را با فرهنگ زبان مقصد آشنا کنید.

مقاله چهارم کتاب حاضر به سبک‌های آموزش و یادگیری در زبان خارجی می‌پردازد. همان‌طور که می‌دانید از گذشته روش‌های متفاوتی مانند روش دستور-ترجمه، روش مستقیم، روش ارتباطی و جز آن در آموزش زبان خارجی مطرح شد که با توجه به هدف آن‌ها و شرایط زمانی و مکانی کارایی‌های خود را داشتند هرچند به مرور و با تغییر شرایط و دستاوردها و پژوهش‌های جدیدتر کمبودها، معایب و مزایای آن‌ها بیشتر مشخص شد. در این مقاله با تمایز قایل شدن بین روش‌های یادگیری فردی هر زبان‌آموز و روش‌های آموزش و تدریس زبان، شیوه‌هایی را بررسی می‌نماید که بیشتر از بقیه در کلاس‌های آموزشی مورد توجه قرار گرفته‌اند. روش‌های یادگیری فردی متفاوت‌اند. برخی از زبان‌آموزان با حفظ کردن، بعضی با تجربه کردن از طریق حواس (شنیدن و دیدن و انجام دادن) و گروهی با شیوه‌های دیگر به‌ترتیب می‌گیرند و معمولاً در یک کلاس همه زبان‌آموزان از یک شیوه یادگیری فردی واحد استفاده نمی‌کنند که این امر، کار را برای مدرس، روشی که برای تدریس به کار می‌گیرد و زبان‌آموزی سخت‌تر می‌کند. پس از ذکر مقدمه، نویسنده به ابعاد سبک‌های یادگیری اشاره می‌کند. ابتدا زبان‌آموزان به دو دسته شهودی و حسی تقسیم می‌شوند. احساس شامل مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات از طریق حواس می‌شود و زبان‌آموزان شهودی با درک غیرمستقیم به وسیله شیوه‌های ناخودآگاه مانند حافظه، محاسبه و تصور و زبان‌آموزان حسی با استفاده از حواس، مشاهده و جمع‌آوری اطلاعات به‌ترتیب می‌گیرند. احساسات عینی و روشمند هستند و شهود انتزاعی و تجسمی است.

زبان‌آموزان حسی از راهبردهای مختلف حافظه همچون تمرین‌های درونی و تکراری، فلش کارت، مطالب درسی جالب، عملی و غیرتخیلی و

کلاس‌های با اهداف مشخص سازمان یافته استفاده می‌کنند. شهودی‌ها از طریق روش‌های تدریس دارای پیچیدگی و تنوع استفاده می‌کنند، تمرین‌ها را دوست ندارند. اما در هر کلاس از هر دو گروه آموزش وجود دارد و آموزش مناسب نباید فقط یک گونه از روش‌های یادگیری را شامل شود.

سپس زبان‌آموزان دیداری و شنیداری را داریم. زبان‌آموزان دیداری با استفاده از صورت‌های عینی مانند تصاویر، نمودارها، فیلم و نمایش اطلاعات را بهتر دریافت می‌کنند در صورتی که زبان‌آموزان شنیداری توضیحات شفاهی و کتبی را ترجیح می‌دهند.

دسته‌بندی دیگر، زبان‌آموزان فعال و انعکاسی است. زبان‌آموزان فعال در شرایطی که کاری را به صورت فیزیکی انجام می‌دهند یادگیری بهتری دارند و انعکاسی‌ها هنگامی که فرصتی برای تفکر در مورد اطلاعات دریافتی دارند بهتر یاد می‌گیرند. بنابراین کلاس‌ها باید به گونه‌ای باشد که زبان‌آموز را فعالانه چه از نظر تفکر و شرکت در کلاس و چه از نظر انجام فعالیت‌های کلاسی و گروهی به مشارکت وا دارد. کلاس‌ها باید دارای تجربیات عملی مختلفی همچون گفتگو، بازی کردن، نقش‌های کوچک و رقابت‌های گروهی و فعالیت‌های فکری و ذهنی همچون پرسش‌ها و تمرین‌های کوتاه نوشتاری باشند.

زبان‌آموزان را می‌توان به کل‌گرا و جزءنگر نیز تقسیم کرد. زبان‌آموز کل‌گرا اطلاعات را به طور یک کل دریافت می‌کند پیش از آنکه اجزای آن مطلب را درک کنند، اما زبان‌آموزان جزءنگر ابتدا اجزای مرتبط با هم را درک می‌کنند و با کنار هم قرار دادن آنها تصویر کلی را دریافت می‌نمایند. برای مثال، افراد جزءنگر به تحلیل دستوری علاقه دارند و گرایش به راهبردهایی دارند که کلمات و جملات را به قسمت‌های جزئی

تجزیه می‌کنند و زبان‌آموزان کلی‌گرا راهبردهای کلی از جمله حدس زدن معنی کلمات در جمله و بافت و بررسی ایده اصلی درس را ترجیح می‌دهند.

یک طبقه‌بندی دیگر، زبان‌آموزان استنتاجی و استقرایی است. استنتاجی‌ها با مشاهده جزئیات و اطلاعات به سمت کلیات می‌روند و چیزی را نتیجه می‌گیرند و استقرایی‌ها برعکس هستند یعنی با استفاده از اصول و قواعد موجود در یک کل، جزئیات را درمی‌یابند. برای مثال روش آموزش دستور-ترجمه کاملاً استقرایی و روش تدریس مستقیم کاملاً استنتاجی است. باید توجه داشت که این دو فرایند رقیب هم نیستند بلکه مکمل یکدیگرند. یک محیط درسی مناسب برای تدریس زبان خارجی مکانی است که فرایندی یادگیری استنتاجی و استقرایی، اکتساب و یادگیری را امکان‌پذیر و تسهیل کند.

باتوجه به این دسته‌بندی‌ها می‌توان دریافت که نمی‌توان تمام زبان‌آموزان را در یک گروه خاص قرار داد. در یک کلاس درس زبان آموزشی وجود دارد که ممکن است در گروه‌های مختلف فوق قرار گیرند. در نتیجه روش تدریسی مورد نیاز است که متعادل باشد و زمینه یادگیری را برای اغلب زبان‌آموزان در یک کلاس فراهم آورد. بنابراین مدرس زبان باید از روش تلفیقی در آموزش زبان استفاده نماید. این بدان معنی نیست که از تمام راهکارها به طور هم‌زمان و در یک جا استفاده نماید، بلکه آن دسته از راهکارهایی را به کار گیرد که باتوجه به نوع درس و نکته آموزشی می‌توانند گهگاه با هم انجام شوند.

مقاله پنجم به نقش زبان اول در یادگیری زبان خارجی می‌پردازد. اگرچه معمولاً توصیه می‌شود که تا حد ممکن از زبان دوم در کلاس‌های زبان استفاده شود و از به کارگیری زبان مادری یا زبان اول اجتناب شود

اما همچنان نمی‌توان اهمیت نقش زبان اول در انتقال معنا و استفاده بهینه از زمان محدود کلاس را نادیده گرفت. در مقاله حاضر با تکیه بر اهمیت استفاده از زبان دوم، بخش‌هایی را مشخص می‌کند که استفاده از زبان اول در کلاس‌هایی که همه زبان‌آموزان، زبان اول یکسانی دارند ارزش تلقی می‌شود. یکی از آنها بحث کردن درباره تکلیفی است که قرار است به زبان دوم انجام دهند. بدین ترتیب همه دانش‌آموزان به طور فعالانه در فهمیدن و درک ایده‌ها درگیر هستند و این بحث شامل کلمات زیادی از زبان دوم خواهد بود که در تکالیف بعدی می‌توان از آن‌ها استفاده کرد. برای نشان دادن معنی یک کلمه جدید می‌توان از توضیح و یا دادن هم‌معنی به زبان دوم تصویر، شیء واقعی، فیلم، اشاره کردن و حتی معادل آن در زبان اول استفاده کرد. تحقیقات نشان می‌دهد که از نظر انتقال معنی هیچ‌کدام به دیگری برتری ندارند. گاهی ترجمه به زبان اول چون واضح، کوتاه و آشنا است؛ بسیار مؤثر است. سپس نویسنده توضیح می‌دهد که از زبان اول باید به عنوان یک ابزار مفید و همانند دیگر ابزارها در جایی که به آن نیاز است، استفاده شود؛ اما نباید بیش از حد مورد استفاده قرار گیرد و در ادامه راه‌های پیشگیری از کاربرد افراطی زبان اول و راهکارهای تشویقی استفاده از زبان دوم را بررسی می‌نماید.

مقاله ششم با عنوان مدیریت کلاس، آن را نکته‌ای کلیدی در رویکرد راهبردی به آموزش زبان دوم می‌داند. همه معلم‌ها می‌دانند که در یک کلاس بی‌نظم انتقال دانش و تدریس ناکارآمد و امکان‌ناپذیر است و مدیریت کلاس و رفتار زبان‌آموزان بسیار اهمیت دارد. این مقاله به فنون و روش‌های مدیریت کلاس می‌پردازد و با ارائه تعریفی از مدیریت کلاس به دو اشتباه رایج در کلاس‌های زبان (یکی توجه به قواعد و دستور

زبان و دیگری شکاف و فاصله بین معلم و زبان آموز) اشاره می‌کند. معلم می‌تواند با شناخت خود، شناخت قابلیت‌ها و توانایی‌هایش، استفاده از دانش خود در زبان و موضوعات دیگر، شرکت در دوره‌های تکمیلی یا دانش‌افزایی برای بالابردن مهارت‌های تدریس، شناخت زبان آموزان، آمادگی قبلی، تهیه طرح درس، فعال‌سازی زبان آموزان، ایجاد فضای دوستانه و تشویق‌کننده در کلاس، ارائه فعالیت‌های متنوع و برانگیزاننده و بسیاری از موارد دیگر عملکرد خود را در مدیریت کلاس و رفتار زبان آموزان بهبود ببخشد. مهارت‌های مرتبط با مدیریت کلاس تنها با تمرین، بازخورد و تمایل به یادگیری از اشتباهات به دست می‌آید.

مقاله هفتم به تخصصی‌شدن محیط کلاس می‌پردازد و اینکه این مسئله تاچه حد در یادگیری زبان مهم است. مدرسان زبان معمولاً با این مشکل مواجه هستند که کلاس‌هایشان تخصصی نیست یا ابزار لازم را برای آموزش بهینه ندارد. در این مقاله به تحقیقی اشاره می‌کند که اگر معلمان کلاس‌های خود را به‌طور مداوم تغییر دهند و در کلاس ثابتی که مجهز به ابزارهای آموزشی از تخته و کامپیوتر گرفته تا نقشه و پوستر نباشند، تأثیر منفی در امر تدریس آن‌ها و همچنین مدیریت کلاس خواهد داشت. یکی از ویژگی‌های این مقاله این است که چگونه می‌توان یک تحقیق تجربی و میدانی را انجام داد و پیش از انجام آن به چه مقدماتی (از تعیین و انتخاب گروه مورد پژوهش و تهیه پرسش‌نامه تا گرفتن اجازه و مجوزهای لازم که برخی از آنها از اخلاقیات پژوهش به حساب می‌آیند) نیاز است و چگونه باید داده‌ها را تحلیل کرد. با توجه به دستاوردهای حاصل از تحقیق ارائه شده در این مقاله سه دلیل برای داشتن کلاس اختصاصی برای آموزش زبان ذکر شده است که عبارت‌اند از: کمک به زبان آموزان در یادگیری و حفظ واژه‌ها و ساختارها، افزایش

انگیزه یادگیری زبان دوم و تسهیل امر سخت زبان آموزی.

مقاله هشتم نگرش مدرسان و زبان آموزان را درمورد استفاده از طنز در کلاس مورد بررسی قرار می دهد. این مقاله با ارائه تعریفی از طنز و شوخ طبعی آن را به عنوان یک راه عاطفی برای کاهش موانع عاطفی یادگیری زبان و افزایش انگیزه در زبان آموزان می داند. این مقاله بیانگر تحقیقی است که به بررسی درک معلم و دانش آموز در استفاده از طنز در کلاس درس به عنوان یک ابزار آموزشی برای تدریس می پردازد.

طنز مانند تمام فعالیت های دیگر کلاس زبان باید به خوبی از قبل آماده شده باشد و هدف خاصی را دنبال کند تا از آن به عنوان از دست دادن کنترل، یا مدیریت ضعیف کلاس تفسیر نشود. طنز را می توان به روش های متعدد و به دلایل مختلف در آموزش زبان استفاده کرد. برخی از معلمان استفاده از آن را برای نیل به اهداف آموزشی جدی نمی گیرند. عده ای دیگر از آن برای ارائه استراحت دادن به دانش آموزان، سرگرمی و از بین بردن یکنواختی کلاس استفاده می کنند؛ هرچند که می توان از لطیفه و انواع دیگر مطالب طنزآمیز، برای مزایای بیشتری غیر از سرگرمی در کلاس زبان استفاده کرد. در این تحقیق با استفاده از داده ها و نتایج به دست آمده نشان داده می شود که استفاده از شوخ طبعی به طور قابل توجهی زبان آموزان را در کلاس درس آرام تر می کند و به میزان قابل توجهی علاقه شان را به موضوع افزایش می دهد. همچنین هم مدرسان و هم زبان آموزان در این تحقیق عقیده داشتند که استفاده از طنز در آموزش زبان خارجی بسیار مهم است.

مقاله نهم که آخرین مقاله در مجموعه مقالات حاضر است، استفاده از فیلم ویدئویی را به عنوان یک ابزار آموزشی در کلاس زبان مورد بررسی قرار می دهد. هدف از این مقاله فراهم آوردن اطلاعات ضروری

برای مدرسان زبان است تا بتوانند به طور مؤثرتری از فیلم در کلاس درس استفاده کنند و دلایل به کارگیری آنها و نقش مدرس را نشان دهد. به طور کلی تماشای فیلم جالب، جذب کننده و برانگیزاننده است و همچنین می تواند موقعیت های اجتماعی متعددی را به کلاس درس بیاورد و به زبان آموزان نشان دهد که چطور مردم در فرهنگی که به آموختن زبان آن مشغول هستند رفتار کلامی و غیرکلامی انجام می دهند و به زبان آموزان در داشتن درک بهتر کمک می کنند. فیلم ها را می توان برای توجه به جزئیات زبانی، تکرار زنجیره های گفتاری، تقلید، استفاده به عنوان مدل زبانی، استفاده از سرنخ های بصری و جز آن برای درک بهتر معنی و زبان در کلاس های زبان به کار گرفت. این مقاله سپس به نقش معلم اشاره می کند که باید به فیلم به عنوان یک کمک و نه یک رقیب نگاه کند. او باید در نقش یک کنترل کننده فعالیت های مربوطه را کنترل کند و در نقش یک ارزیاب عملکرد آنها را ارزیابی نماید. همچنین او باید به عنوان یک تنظیم کننده، شرکت کننده در فعالیت کلاسی و ترغیب کننده نقش خود را هنگام استفاده از فیلم در کلاس ایفا نماید. در انتهای این مقاله نیز تکنیک های عملی مفید و کاربردهای هریک را در اختیار مدرس زبان می گذارد که چگونه از فیلم استفاده کند و چه نکاتی را در نظر بگیرد.

مهید غفاری

کمبریج، تیرماه ۱۳۹۶

فرهنگ در آموزش زبان دوم^۱

الیزابت پترسون و برانوین کالترین^۲

مرکز زبان شناسی کاربردی اریک^۳

-
1. Culture in Second Language Teaching
 2. Elizabeth Peterson & Bronwyn Coltrane
 3. Center for Applied Linguistics

مرکز ملی شایستگی فرهنگی، فرهنگ را این‌گونه تعریف می‌کند: فرهنگ الگوی یکپارچه‌ای از رفتار انسان است که تفکرات، ارتباطات، زبان‌ها، کنش‌ها، عقاید، ارزش‌ها، سنت‌ها، آداب و احترامات، تشریفات، شیوه‌های برخورد، نقش افراد، روابط، رفتارهای پسندیده در گروه‌های اجتماعی، مذهبی، قومی و نژادی و همین‌طور توانایی انتقال تمام موارد گفته‌شده به نسل‌های بعدی را در بر می‌گیرد (گوود^۱، سوکالینگم^۲، براون^۳ و جونز^۴، ۲۰۰۰). این بدان معناست که زبان نه تنها بخشی از تعریف فرهنگ است بلکه فرهنگ را نیز منعکس می‌کند. از این‌رو فرهنگ مرتبط به یک زبان خاص را نمی‌توان از طریق تعداد محدودی طرح درس در مورد جشن‌ها، آهنگ‌های محلی و لباس‌های سنتی - منطقه‌ای

-
1. Goode
 2. Sockalingam
 3. Brown
 4. Jones

که زبان خاصی در آن صحبت می‌شود آموزش داد؛ چراکه فرهنگ، دارای مفهوم گسترده‌تری است و بن‌مایه آن، با مفاهیم زبان‌شناختی که در کلاس‌های آموزش زبان دوم تدریس می‌شود؛ گره خورده است.

استادان زبان در آمریکا از طریق اقدامات مقدماتی نظیر ارائه استانداردهای ملی برای یادگیری زبان خارجی، مطالعه فرهنگ و تلفیق آن در برنامه کلاسی‌شان را در اولویت قرار داده‌اند. دانش فرهنگی یکی از پنج هدف استاندارد ملی است که دانش آموزان از طریق مطالعه زبانی دیگر، دانش و درکی از فرهنگ آن زبان را به دست می‌آورند. در حقیقت دانش‌آموزان تا زمانی که به شرایط فرهنگی درون یک زبان تسلط پیدا نکنند، نمی‌توانند آن زبان را ماهرانه صحبت کنند (استانداردهای ملی در پروژه آموزشی زبان‌های خارجی ۱۹۹۶: ۲۷). این تحلیل اهمیت تلفیق فرهنگ در تدریس زبان دوم را مورد بحث قرار می‌دهد و راهبردهایی را برای وارد کردن مسائل فرهنگی در تدریس کلاسی پیشنهاد می‌دهد.

اهمیت فرهنگ در آموزش زبان

زبان‌شناسان و مردم‌شناسان برای مدت‌ها بر این باور بوده‌اند که صورت یک زبان یعنی، کاربردهای منعکس‌کننده ارزش‌های فرهنگی جامعه‌ای که به آن زبان صحبت می‌کنند. برای اینکه زبان‌آموز در یک زبان تبحر داشته باشد؛ مهارت زبانی به‌تنهایی کافی نیست (کرسنر، ۱۹۹۹). زبان‌آموزان باید آگاه باشند که به‌طور مثال برای مورد خطاب قراردادن مردم، قدردانی کردن، تقاضا کردن، یا موافقت و مخالفت کردن، چه راه‌هایی متناسب با فرهنگ و رسوم آن زبان، وجود دارد. آن‌ها باید

بدانند رفتارهای زبانی و الگوهای صوتی که در زبان جامعه خودشان مورد قبول است؛ ممکن است در بین افراد جامعه‌ای که به زبان دیگری صحبت می‌کنند، مفهوم دیگری داشته باشد. دانش‌آموزان باید بدانند که استفاده از زبان برای برقراری یک ارتباط موفق، باید با دیگر رفتارهای متناسب با فرهنگ آن زبان نیز همراه باشد.

در موارد زیادی، فرهنگ تلویحاً درون صورت‌های زبانی که دانش‌آموزان می‌آموزند؛ تدریس می‌شود. معلمان می‌توانند برای آگاهی‌دادن به دانش‌آموزان در مورد جنبه‌های فرهنگی منعکس‌شده در زبان، این ملاحظات را صراحتاً در قالب موضوعات بحث آزاد که مرتبط با صورت‌های زبانی مورد مطالعه آن‌ها است، تدریس کنند. برای مثال هنگام تدریس ضمایر فاعلی و صرف افعال زبان فرانسه، معلم باید به زبان‌آموزان کمک کند تا متوجه شوند که چه زمانی باید از فرم غیررسمی خطاب کردن دیگران (تو) به جای شکل رسمی آن (شما) استفاده کنند، هرچند که این تفاوت در زبان انگلیسی وجود ندارد. معلمی که انگلیسی را به عنوان زبان دوم تدریس می‌کند نیز باید به دانش‌آموزان در درک ارتباط اجتماعی مناسب مانند انجام تقاضایی که همراه با احترام باشد کمک کند. برای مثال عباراتی مثل «هی تو» و «بیا اینجا» از نظر زبان‌شناختی تقاضای صحیحی است اما اگر دانش‌آموزی بخواهد آن را برای معلمش استفاده کند از لحاظ فرهنگی شیوه مناسبی نیست. زبان‌آموزان فقط زمانی در یک زبان خبره می‌شوند که هنجارهای زبانی و فرهنگی آن زبان را باهم بیاموزند.

تدریس فرهنگ بدون تصورات و پیش‌فرض‌ها

اطلاعات فرهنگی باید به شکل غیرمغرضانه و به صورتی ارائه شود که تفاوت‌های فرهنگ بومی دانش‌آموزان و فرهنگی که در کلاس یاد

می‌گیرند را، هیچ‌گونه ارزش‌گذاری و یا قضاوت نکند. کرامش^۱ (۱۹۹۳) «فرهنگ سوم» در کلاس درس را، به صورت فرهنگ یک محیط خنثی که زبان‌آموزان آن را به وجود می‌آورند و با استفاده از آن، فرهنگ خود و فرهنگ زبان مقصد را منعکس می‌کنند؛ شرح می‌دهد. بعضی از معلم‌ها و محققان ارائه بعضی اشیاء و ایده‌هایی که مختص فرهنگ مورد مطالعه است ولی دانش‌آموزان با آن آشنا نیستند را مؤثر می‌دانند. می‌توان به دانش‌آموزان اطلاعات یا سرنخ‌هایی در مورد این اشیاء و ایده‌ها داد، تا بتوانند این اطلاعات جدید را با اطلاعات خود ترکیب کنند. یک وسیله آشپزی می‌تواند مثال خوبی باشد. به دانش‌آموزان گفته می‌شود که این وسیله به نوعی برای آشپزی مورد استفاده قرار می‌گیرد و سپس از آنها می‌خواهند تا خودشان تحقیق کنند که از این وسیله چطور استفاده می‌شود. این موضوع می‌تواند به سمت بحث‌های مرتبط در مورد غذاهایی که در آن فرهنگ استفاده می‌شود، جغرافیا، فصول رشد و غیره منجر شود. دانش‌آموزان مثل مردم‌شناسان عمل می‌کنند و فرهنگ مقصد را در ارتباط با فرهنگ خودشان، کنکاش و درک می‌کنند. آنها به این ترتیب، به سطحی از هم‌دلی می‌رسند، درست مثل همان چیزی که در فرهنگ مردم یک منطقه مشاهده می‌شود. این فرهنگ انسجام خود را دارد و به شاخصه‌های آن احترام گذاشته می‌شود. کمک‌کردن به دانش‌آموزان در فهمیدن این قضیه که فرهنگ‌ها یکپارچه نیستند نیز حائز اهمیت است. برای هر نوع ارتباط در هر فرهنگی، رفتارهای مختلفی وجود دارد. آموزگاران باید به دانش‌آموزان اجازه مشاهده و جستجوی تعاملات فرهنگی را از دیدگاه خودشان بدهند، تا آنها بتوانند جایگاهشان را در بین افراد جامعه زبان دوم دریابند.

راهبردهای آموزشی برای تدریس زبان و فرهنگ

فعالیت‌ها و اهداف فرهنگی باید به دقت درون طرح درس کلاسی سازمان داده و گنجانده شوند تا محتویات آموزشی غنی و سرشار باشد. بعضی از نظرات مفید در مورد چگونگی ارائهٔ مبحث فرهنگ در کلاس در این بخش شرح داده شده است.

لوازم آموزشی واقعی و اصلی

استفاده از منابع واقعی که به جامعهٔ بومی مربوط است، کمک می‌کند که دانش‌آموزان با تجربیات فرهنگی واقعی درگیر شوند. این منابع شامل فیلم‌ها، برنامه‌های خبری، نمایش‌های تلویزیونی، وبسایت‌ها، عکس، مجله، روزنامه، منوهای رستوران، بروشورهای مسافرتی و دیگر ابزار چاپ شده است. معلمان می‌توانند بسته به سطح زبانی و سنی دانش‌آموزان، مواد آموزشی واقعی برای تدریس انتخاب کنند. برای مثال، حتی دانش‌آموزان سطوح مقدماتی هم می‌توانند فیلم ببینند و به ویدئوهایی که از برنامه‌های تلویزیونی گرفته شده، گوش دهند و روی بخش‌های فرهنگی آن مثل احوالپرسی کردن، تمرکز کنند. معلم باید ترجمهٔ دقیق این مواد آموزشی را به دانش‌آموزان ارائه دهد، یا جدول و نمودار و یا رئوس مطالب را در اختیار آن‌ها قرار دهد، تا هنگام دیدن یک فیلم یا گوش کردن به یک مکالمه آن‌ها را تکمیل کنند. بعد از اینکه دانش‌آموزان بخش مربوط را تماشا کردند، معلم می‌تواند آن‌ها را وارد بحثی کند که در مورد هنجارهای فرهنگی است و در آن بخش نشان داده شده است. سپس از آن‌ها بپرسد که این هنجارها چه چیزهایی را در مورد ارزش‌های آن فرهنگ بازگو می‌کنند. موضوعات بحث آزاد می‌تواند شامل رفتارهای غیرکلامی نیز باشد (مثل فاصله بین دو فرد هنگام صحبت، ژست یا حرکات بدن، ارتباط چشمی، نقش‌های اجتماعی و اینکه مردم